

ماندن در قدرت دغدغه مدیران متزلزل

برخی ها با تفرقه افکنی، چند چهره گی، دروغ گویی و زیر آب زنی برای خود بساطی پهن کرده اند. این قبیل افراد خط بطلانی بر پرونده خویش می کشند و کارنامه ای ذلت بار از خود بر جای می گذارند. حال فرقی نمی کند بهاری باشند یا پائیزی بالاخره رسوای خاص و عام خواهند شد.

وقتی صحبت از تغییر و تحول در سطح ادارات کل، نهادها، سازمان ها و مراکز آموزش عالی و .. می شود برخی ها که بدجوری دل به صندلی های ریاست داده اند افسرده شده و چاره اندیشی می کنند.

آنها چون جرئت و توان دل کندن از جامه رنگین مدیریت را ندارند دست و پای خود را گم می کنند و از هول حلیم تو دیگ می افتند و به وضعیتی از نظر روحی و روانی گرفتار می شوند که تن دادن به هر رفتار و چنگ انداختن به کف روی آب را مباح می دانند.

وقتی مدیری احساس می کند که در زیر مجموعه اش نارضایتی به اوج رسیده و اوضاع به آرامی غیر کنترل می شود و قدرتی برای عادی سازی وضعیت در خود احساس نمی کند بهترین راه درآوردن ردای مدیریت و سپردن آن به افراد واجد شرایط است.

وقتی کسی عرضه مقابله با واقعیت ها را نداشته باشد دست به دامن خیلی ها می شود، آمارسازی می کند، علنا دروغ می گوید، خوب را بد و بد را خوب جلوه می دهد و در نهایت عزت و سربلندی را به خاطر دو روز ماندن بیشتر در ریاست به قربانگاه می برد.

هیچ کس نمی تواند مدیریت را دائم العمر بخواهد. شروع هرکاری با پایانی همراه خواهد بود به جای آن که از دامن نمایندگان آویزان شویم ، به استاندار و اطرافیاناش التماس بکنیم، بساط تهمت را پهن نماییم، با کلمات دهان پر کن و آمار غیر واقعی به سرگرم کردن دیگران مشغول شویم راه درست و اصولی را انتخاب بکنیم . بدانیم که شرمندگی در محکمه وجدان طاقت فرساست و تحمل ناپذیر و .. در رستاخیز رسوایی سنگین تر است و جبران ناپذیر.